

بقلم : ا. نیکوهمت

هست اندر صورت هر قصه‌ای
خرده بینان راز معنی حصه‌ای

جامی

سیری در مثنوی‌های یوسف وزلیخا

- ۴ -

یوسف وزلیخای ناظم

یکی از منظومه‌هایی که پیرامون قصه یوسف وزلیخا سروده شده منظومه‌ای است بشیوه مثنوی که گوینده آن ملا فرخ‌حسین هروی، متخلص به «ناظم» است که در عصر شاه سلیمان صفوی میزیسته و مثنوی یوسف وزلیخا را با اشاره عباس قلی خان شاملو بیکلریبگی اصفهان سروده. این مثنوی دارای مضامین متکلفانه و گاهی خوش آیند است.

این منظومه دارای پنج‌هزار بیت است که مطلع آن چنین است :

الهی چون سپهرم سینه بگشای

دلم طوطی کن و آئینه بنمای

از این مثنوی نسخه‌های متعدد چاپی و خطی در کتابخانه‌های مهم ایران و سایر کشورهای جهان موجود است (۱).

در فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از يك نسخه خطی از این شاعر نام برده شده که بخط شکسته نستعلیق است (۲).

ناظم هروی در سرودن این مثنوی بهره‌ای از کتب تفسیر و همچنین به منظومه‌های یوسف و زلیخای منسوب بفردوسی و یوسف وزلیخای جامی توجه داشته است.

۱ - رجوع کنید بصفحه ۳۹ رساله یوسف وزلیخای دکتر خیامپور.

۲ - رجوع کنید بفهرست کتابخانه مجلس شورای ملی صفحه ۶۵

ایات زیر از آن مثنوی است :

زلیخا گفت وقتی کان می‌نور
 کند این خانه را میخانه طور
 ترنجی را بریدن گر توانید
 بقطع این دعوی بیجا رسانید
 باین شرط از زمان فریادبرخاست
 زلیخا چون غبار از باد برخاست...

ایات دیگری از این مثنوی برای آشنائی بیشتر با سلوب سخن ناظم
 هروی در زیر نقل می‌شود :

دو چشمش چشمه ناز و کمرش
 ز مژگان ماهیان بر گرد چشمه
 خدا در چشمه ماهی آفریده
 جز اینجا چشمه در ماهی که دیده؟
 لطیف اندام یا بی تازه و تر
 چه دستی ، پشت بادام مقشر ،
 خلیدی گر باو مژگان بلبل
 رسیدی تا بساقش روغن گل

چنانکه در نمونه‌های اشعار این مثنوی ملاحظه شد این منظومه از
 لحاظ ادبی چندان مطلوب و دل انگیز نیست و ترکیبات مصنوع و سست در
 آن زیاد دیده می‌شود. بطوری که آذر بیگدلی در این باره گفته است :

« مثنوی یوسف و زلیخا دارد که قابل شنیدن نیست » (۱)

ولی با این حال چنانکه فوقاً اشاره شد از این منظومه هم نسخه‌های
 خطی و چاپی متعددی در کتابخانه‌های معروف ایران و جهان موجود است يك
 نسخه از این مثنوی چاپ هندوستان است که بسال ۱۸۷۹ میلادی طبع شده.

۱ - رجوع کنید بصفحات ۷۷۴ و ۷۷۵ تذکره آتشکده آذر

چند مثنوی دیگر

درموزه ها و کتابخانه های مهم و نمایشگاه های بزرگه کتب خطی و چاپی در ایران و کشورهای خارج منظومه های دیگری از یوسف وزلیخا از گویندگانی که این دادستان شیرین و دل پذیر را بنظم فارسی و ترکی در آورده اند یافت می شود .

از این گنجینه های گوناگون و نمونه های متعددی میتوان سراغ گرفت که در اینجا برخی از آن آثار هنری و ادبی اشاره میشود .

غیر از نقاشی های زیبا که بسبک و شیوه ای دلکش و تحسین آمیز از صورت گران و نقاشان و مینیاتور کاران خوش قریحه با ظرافت و در کمال هنرمندی و ذوق در کتب و مجموعه های هنری به چشم میخورد . نمونه های بدیعی از این تصاویر مربوط به داستان یوسف وزلیخا درموزه ها و کتابخانه های مهم جهان موجود است و هم چنان در پرده های نمایشی که از قرون وسطی باز مانده آثاری شگرف و دلکش در این باره دیده میشود .

این منظومه ادبی و اخلاقی که ریشه ای کهن و دینی دارد بارها بزبانهای زنده دنیا ترجمه شده است .

از میان خاور شناسانی که کتاب «یوسف وزلیخا» را بطبع رسانیده اگوست بریکتو (۱۸۷۳ - ۱۹۳۷ میلادی) را میتوان نام برد که بسال ۱۹۲۰ اقدام به چاپ آن کرده است ، برخی از مؤلفان و پژوهندگان روایات و احادیث مربوط به حضرت یوسف (علیه السلام) را جداگانه جمع آوری کرده و رسالت جامع و ممتعی در این خصوص فراهم آورده اند و نیز بعضی از محققان و مصنفان با تفسیر و شرح و توضیح سوره یوسف کتب و مجموعه های مستقل و آموزنده و خواندنی تدوین کرده اند .

برخی از این مجموعه ها شامل منظومه ها و مثنویهای شورانگیز و پر احساسی است که درباره داستان دینی و کهن یوسف و زلیخاست که موضوع و مضمون آن از کتب تفسیر و قصص انبیا گرفته شده است .

از میان کسانی که این قصه دل انگیز را بسبک نظم کشیده اند خواهجه سمعد قمی ، جمالی اردستانی معروف به پیر جمال ، مقیم شیرازی ، قاسم خان موجی بدخشانی ، نامی اصفهانی ، شوکت قاجار ، خلیفه ابراهیم بدخشانی ، شعله گلپایگانی ، شهاب ترشیری ، حاذق هروی ، حشمت کاتب بلخی ، یوسف ضیائی

قاضی سنان ، کامی قره مانی ، عبدالرحمن بن عبدالله آقشهری متخلص به غباری ، احمدشکاری ، حاجی لطفعلی بیك بیكدلی متخلص به آذر ، قدیمی ، ذہبی بغدادی ، عبدالحی چلبی رفعتی ، نعمت الله حونازی ، احمد مرشد ، عبدالرحمن ہوائی ، مصطفی ہوائی ، بہشتی ، خلیفہ قرہ آمدی ، خطائی ، چاکری ، لقائی استانبولی ، در بیك بلخی ، عبدالمجید قریمی ، محمود قریمی ، یحیی بیك ، حمد الله حمدی ، شمس ، ابن کمال را میتوان نام برد کہ شرح مختصری از آن آثار در رسالہ یوسف و زلیخائی کہ آقای دکتر خیام پور در مرداد ماہ سال ۱۳۳۹ نوشته اند مذکور است .

پارہ ای از این منظومہ ہا ارزش ادبی زیادی ندارد و برخی از آنہا بزبان ترکی منظوم شدہ ، برخی از این مثنوی ہا بنام « احسن القصص » نامیدہ شدہ کہ اشارہ بسورہ یوسف است چنانکہ یوسف و زلیخای « خلیفہ ابراہیم » و « خاوری شیرازی » ہم ہمین نام مشہور است .

یکی از شعرائی کہ قصہ یوسف و زلیخا را منظوم ساختہ محمود بیك سالم تبریزی است کہ باشاہ طہماسب اول صفوی معاصر بودہ .

سالم تبریزی یکی از شعرای خوش قریحہ قرن دہم است کہ مثنوی ہائی بنام لیلی و مجنون ، مہر و وفا ، یوسف و زلیخا و شاہنامہ شاہ طہماسب از آثار اوست .

مثنوی یوسف و زلیخای سالم تبریزی یکی از منظومہ ہای دلکشی است کہ در این مورد سرودہ شدہ ولی تا آنجا کہ نگارندہ اطلاع دارد از این مثنوی نسخہ کاملی در دست نیست و ابیاتی پراکندہ از آن در بعضی از تذکرہ ہا و مجموعہ ہای شمری یافت میشود .

بطوریکہ تقی الدین کاشی صاحب تذکرہ « خلاصۃ الاشعار » نوشتہ است سالم در انواع شمر بویژہ مثنوی دستی قوی و طبعی شیوا داشتہ .

اینک ابیاتی از مثنوی :

گہی کز قامت نیکو خصالی

نشانم در ریاض جان نہالی

دواند ریشہ ہا در استخوانم

بہ پیچد خوش بر اورگہای جانم

چسو در آب وزمین جان ناشاد

شود نازک نہالش سرو آزاد

بتندی از برم گیرد کنار

شود رگ های جانم پاره پاره

این ابیات نیز از همان مثنوی است :

تعالی الله زناز خوبرویان

مزه عاشق کش و لب عذرگویان

کشیدن خنجر مژگان که برخیز

گشادن غنچه خندان که مگریز

بظاهر نقدجان دادن به غارت

نهانی بسا شفیعیان در اشارت

بخونریزی شتابان آشکارا

پی هر گام کردن صد مدادا

به چشمان ستمگر بیم دادن

در لطف از لب خندان گشادن

ستم بر چشم و بر لب خنده راز

عیان در چنگ و پنهان آشتی خواه

(ادامه دارد)

